



مرکز وکلای قوه قضاییه خراسان رضوی



وابسته به مرکز وکلای قوه قضاییه خراسان رضوی



# فصلنامه علمی تخصصی حقوق وکیل دعاوی

وابسته به مرکز وکلای قوه قضاییه خراسان رضوی

دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۴۰۴، صص: ۱۱۹-۱۰۱

## بررسی جایگاه و نقش رمزارزها در سازمان تجارت جهانی و حقوق بین الملل سرمایه گذاری

نویسندگان:

سارا هژیر

URL: <https://www.vakildaavirazavi.ir/>

DOI: <https://doi.org/10.22034/vd.2025.728998>

### COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Licensee Khorasan Razavi Center of Attorneys – Judiciary. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)



# فصلنامه علمی تخصصی حقوق وکیل دعاوی

Journal of Vakil Daavi

دوره یکم، شماره یکم، بهار ۱۴۰۴، صص: ۱۱۹-۱۰۱

Vol 1, No 1, 2025, P: 45-61

## بررسی جایگاه و نقش رمزارزها در سازمان تجارت جهانی و حقوق بین الملل سرمایه گذاری

سارا هژبر

کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، واحد تربیت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران  
Email: Sara6265.hozhabr@gmail.com

### چکیده

جایگاه و نقش رمزارزها در سازمان تجارت جهانی و همچنین در چارچوب حقوق بین الملل سرمایه گذاری، موضوعی است که به سرعت در حال گسترش و تکامل بوده و توجه قابل توجهی را در محافل بین المللی حقوقی و اقتصادی به خود جلب کرده است. رمزارزها، به عنوان یکی از پدیده های انقلابی تکنولوژی مالی، نه تنها ساختارهای سنتی تجارت و مبادلات بین المللی را به چالش کشیده اند، بلکه فرصت های جدیدی را برای سرمایه گذاری در سراسر جهان فراهم ساخته اند. اما با وجود این فرصت ها، مسائل جدید حقوقی نیز همراه با ظهور این فناوری ها به وجود آمده است. در سطح سازمان تجارت جهانی (WTO)، موضوع پذیرش رمزارزها در بستر قوانین و چارچوب های تجاری بین المللی یکی از مهم ترین سوالاتی است که مطرح شده است. یکی از چالش های عمده در این زمینه، تعیین اینکه آیا رمزارزها می توانند به عنوان یک ابزار مبادله یا دارایی بین المللی رسمی شناخته شوند، محسوب می شود. این سازمان که نقش کلیدی در تنظیم و نظارت بر معادلات تجاری بین کشورها ایفا می کند، تاکنون چارچوبی جامع برای استفاده از رمزارزها در تجارت بین المللی تدوین نکرده است، اما قطعاً آینده رمزارزها به توانایی قوانین بین المللی و تصمیم گیری های این سازمان برای انطباق با واقعیت های نوظهور وابسته است. از سوی دیگر، در حوزه حقوق بین الملل سرمایه گذاری، رمزارزها به عنوان ابزاری نوین برای جذب سرمایه گذاری خارجی و توسعه اقتصادی کشورهای مختلف مورد توجه قرار گرفته اند. دولت ها و شرکت ها اکنون از رمزارزها برای جلب سرمایه گذاران خارجی استفاده می کنند، به این امید که انعطاف پذیری و امنیت ذاتی این دارایی ها، راهکارهای خلاقانه ای را برای مقابله با چالش های سرمایه گذاری سنتی ارائه دهد. با این حال، پیچیدگی های قانونی مربوط به نظارت بر معاملات رمزارزی و همچنین موضوعات مرتبط با حفاظت از سرمایه گذاران در قوانین بین المللی همچنان مناقشه برانگیز است. به طور کلی، نقش روزافزون رمزارزها در اقتصاد جهانی، نشان دهنده نیاز شدید به ایجاد چارچوب های حقوقی جدید است که نه تنها جنبه های تجاری و اقتصادی این فناوری ها را پوشش دهد، بلکه چالش های اخلاقی و مسائل مربوط به حریم خصوصی و امنیت را نیز مدنظر قرار دهد. این تحول حقوقی می تواند به تقویت همکاری های بین المللی و تعریف استانداردهای مشترک منجر شود که پیشرفت فناوری و قوانین مرتبط با آن را همگام سازد.

واژگان کلیدی: ماهیت رمزارزها، سازمان های پولی و مالی، سازمان تجارت جهانی، حقوق بین الملل سرمایه گذاری

در دنیای مدرن که فناوری با سرعتی بی سابقه در حال پیشرفت است، هر روز شاهد پدیدار شدن نوآوری‌هایی هستیم که معمولاً باهدف بهبود زندگی و افزایش رفاه عمومی ارائه می‌شوند. این دستاوردهای نوین اغلب با ویژگی‌هایی همچون سرعت بالا، هزینه کمتر و امنیت بیشتر شناخته می‌شوند. یکی از مهم‌ترین این نوآوری‌ها که تأثیر گسترده‌ای بر نظام‌های پولی و مالی جهان گذاشته، ارزهای رمزنگاری شده است. اصطلاحاتی نظیر ارز دیجیتال، ارز مجازی و رمزارزها این روزها به کرات در مباحث مرتبط با فناوری مالی شنیده می‌شوند. به‌طور کلی، ارزهای دیجیتال به دودسته اصلی تقسیم می‌شوند: پول‌های الکترونیکی و پول‌های مجازی. پول‌های مجازی نیز خود شامل دو زیرمجموعه رمزارزها و غیررمزارزها هستند. رمزارزها بر اساس دانش رمزنگاری طراحی شده‌اند و عموماً از فناوری بلاک چین بهره می‌برند. این نوع ارزها با ویژگی‌هایی منحصر به فرد مانند غیرقابل برگشت بودن تراکنش‌ها، ناشناس یا نیمه ناشناس بودن هویت کاربران، قابلیت فرامرزی، امنیت بالا، عدم تمرکز و نبود کنترل انحصاری شناخته می‌شوند. رمزارزها به‌عنوان یک ایده اقتصادی خلاقانه در فضای اینترنت متولد شدند. اما این سؤال مطرح است که چه عواملی مانع فراموشی این ایده و ادامه حضور آن در بازارهای جهانی شدند؟ شاید بتوان مهم‌ترین دلیل را در بحران مالی سال ۲۰۰۸ دانست، دوره‌ای که به‌زعم برخی تحلیل‌گران به منزله یک «سونامی مالی جهانی» بود و احساس وحشت از فروپاشی نظام پولی بین‌المللی را افزایش داد. این بحران برای اقتصاددانانی که همواره انتقاداتی جدی به نظام دلار بدون پشتوانه داشتند، نشانه‌ای از صحت هشدارهایشان بود. همین شرایط زمینه را برای تلاش هکرها و متخصصان فناوری، جهت ایجاد یک نظام مالی جدید، هموار کرد.

نظرسنجی سال ۲۰۱۷ از سوی بنیاد «ادلمن» نشان داد که اعتماد عمومی به دولت‌ها، مؤسسات و مدیران در سطح جهانی تا حد قابل توجهی کاهش یافته و به ۵۵ درصد رسیده است. همچنین اکثر جامعه جهانی انتظار بروز یک بحران جدید را دارند. بی‌اعتمادی به سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولتی به معنای کاهش اعتماد به ارزهای سنتی کاغذی است. در این میان، چیزی که رمزارزها ارائه می‌دهند ارزی است که مستقل از کنترل دولت‌ها و نهادهای مالی بوده و مبتنی بر شفافیت است. علاوه بر این، در شرایطی که تجارت بین‌المللی رشد چشمگیری دارد و حجم معاملات جهانی روز به روز بیشتر می‌شود، نیاز به روش‌های سریع‌تر پرداخت و حذف واسطه‌ها باعث افزایش پذیرش این فناوری شده است. موضوع کلیدی که این مقاله قصد بررسی آن را دارد، تحلیل ارزهای رمزنگاری شده غیرمتمرکز از منظر حقوق بین‌المللی است. با توجه به گستره وسیع مفاهیم در حوزه حقوق بین‌الملل، بررسی ما عمدتاً بر حقوق بین‌الملل اقتصادی متمرکز خواهد بود. این شاخه از حقوق بین‌الملل شامل سه محور اصلی است: حقوق بین‌الملل پولی و مالی، سازمان تجارت جهانی و حقوق سرمایه‌گذاری. هرچند رمزارزها با ادعای ایفای نقش به‌عنوان یک ارز و ابزاری برای پرداخت معرفی شده‌اند، اما در مورد ماهیت آن‌ها اتفاق نظر وجود ندارد. برخی آن‌ها را نوعی پول قلمداد می‌کنند، درحالی‌که برخی دیگر آن‌ها را در دسته کالا یا خدمات قرار می‌دهند و عده‌ای

نیز معتقدند که رمزارزها نوعی دارایی یا ابزار سرمایه‌گذاری هستند. در این تحقیق تلاش خواهیم کرد تا به این پرسش‌ها پاسخ دهیم و امکان انطباق قوانین موجود بر رمزارزها را مورد ارزیابی قرار دهیم.

### نقش سازمان تجارت جهانی در پدیده رمزارزها

با تأمل بر این موضوع، نخستین پرسشی که ممکن است به ذهن برسد این است که چگونه رمزارزها می‌توانند با سازمان تجارت جهانی مرتبط باشند. این سازمان اساساً در زمینه تسهیل و توسعه تجارت کالاها و خدمات فعالیت می‌کند. بنابراین، اگر رمزارزها در دسته کالا یا خدمات جای بگیرند، احتمال بهره‌مندی از قوانین و مزایای این سازمان وجود دارد. اما نکته حائز اهمیت این است که تعیین کنیم آیا رمزارزها به عنوان کالا تعریف می‌شوند و تحت چارچوب گات قرار می‌گیرند یا اینکه باید آن‌ها را در گروه خدمات و ذیل گاتس جای داد. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که تعهدات کشورهای عضو در چارچوب گات و گاتس تفاوت‌های مهمی دارند؛ به‌ویژه اینکه الزامات گات بیشتر و گسترده‌تر از گاتس است. بدین ترتیب، در این بخش از پژوهش دو سؤال اصلی مطرح می‌شود: نخست اینکه آیا امکان نظارت بر رمزارزها تحت قوانین سازمان تجارت جهانی وجود دارد؟ و دوم اینکه طبقه‌بندی رمزارزها در قالب گات یا گاتس از نظر حقوقی و ساختاری مناسب‌تر خواهد بود؟

### حاکمیت پولی و رمزارزها

بر اساس نظر حقوقدانان، حاکمیت دولت‌ها بر پول ملی از دیرباز در چارچوب حقوق بین‌الملل عمومی به عنوان یک اصل پذیرفته شده است.<sup>۱</sup> دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در آرای خود مربوط به پرونده‌های بازپرداخت وام‌های اعطایی به برزیل و صربستان<sup>۲</sup>، که هر دو تصمیم در سال ۱۹۲۹ صادر شد، به روشنی بیان کرد که اصل کلی پذیرفته شده این است که دولت‌ها حق دارند مقرراتی برای پول ملی خود تدوین کنند. این اصل برجسته، حاکمیت پولی را نه تنها به عنوان یک حق بلکه به عنوان بخشی ضروری از قدرت حکومتی بیان می‌کند. این حاکمیت جنبه‌ای سرزمینی دارد، مشابه سایر ویژگی‌های حاکمیت ملی. در راستای تأکید بر این مفهوم، اهمیت رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد پرونده حقوق اتباع ایالات متحده در مراکش قابل توجه است. در رأی صادره مورخ ۲۷ اوت ۱۹۵۲، دیوان به اتفاق آرا ادعای ایالات متحده مبنی بر اینکه اعمال قوانین و مقررات منطقه فرانسوی مراکش نسبت به اتباع آمریکایی باید با رضایت دولت ایالات متحده همراه باشد را رد کرد و حاکمیت پولی مراکش را به رسمیت شناخت. این رأی نشان‌دهنده ابعاد پیچیده حاکمیت پولی دولت‌ها است،

1. Lastra, Rosa Maria, The International Monetary Fund in Historical Perspective, Centre for Commercial Law Studies, Queen Mary University of London. Volume 3, No 3, 2000, p 16.

2. Case Concerning the Payment of Various Serbian Loans Issued in France, P.C.I.J. (1927).

و در حالی که نظرات مختلفی از سوی مفسران مطرح شده است، توافق عام بر این موضوع وجود ندارد. موضوع حاکمیت پولی همچنان به عنوان یکی از موارد چالش برانگیز و مهم در عرصه بین‌المللی باقی می‌ماند.<sup>۱</sup> می‌توان به مسائلی همچون ضرب سکه و انتشار اسکناس، تعیین ارزش پول ملی، تدوین و اجرای مقررات ارزی و همچنین نظارت بر مؤسسات پولی و مالی اشاره کرد. در این میان، موضوع تدوین و اجرای مقررات ارزی از اهمیت بالایی در بحث حاضر برخوردار است. مسئولیت تنظیم قوانین مرتبط با ارز، نظارت بر نرخ‌های تبدیل و تعیین رژیم ارزی بر عهده دولت است، اما اجرای این سیاست‌ها معمولاً به بانک مرکزی واگذار می‌شود. علاوه بر این، مسئولیت نظارت بر مبادلات ارزی و جریان‌های سرمایه نیز با دولت است، حتی اگر گاهی این اقدامات با اصول تجارت آزاد مغایرت داشته باشند. دولت در مواقع ضروری می‌تواند محدودیت‌های ارزی خاصی را اعمال کند؛ از جمله محدودیت در پرداختی‌ها و نقل و انتقالات مالی در سطح بین‌المللی یا ضوابطی برای کسب، نگهداری و استفاده از ارز خارجی. با توجه به اهمیت این مقررات در حفظ نظم عمومی اقتصادی، ممکن است ضمانت‌های اجرایی کیفری نیز برای آن‌ها در نظر گرفته شود.<sup>۲</sup>

رمزارزها، به عنوان یکی از نوین‌ترین تحولات در دنیای مالی و اقتصادی، دارای انواع و ویژگی‌های متنوعی هستند که هر یک کارکرد و ساختار مختص به خود را ارائه می‌کنند. یکی از انواع خاص این ارزهای دیجیتال، رمز ارز ملی و نوزئلا تحت عنوان پترو است که توسط دولت و نوزئلا طراحی و عرضه شده و از پشتوانه‌ای نظیر منابع نفتی برخوردار است. ویژگی منحصر به فرد رمزارزها در ماهیت غیرمتمرکز آن‌ها نهفته است؛ این نوع ساختار به گونه‌ای طراحی شده که از کنترل و مداخلات مرکزی جلوگیری کند. با این حال، زمانی که کشورها ایده انتشار ارزهای دیجیتال ملی، نظیر پول‌های دیجیتالی با پشتوانه ارزهای فیات، طلا، نفت و یا سایر منابع را مطرح می‌کنند، این اقدام در واقع شکل فیزیکی پول را تنها به یک قالب دیجیتالی تغییر می‌دهد و تغییری بنیادین در مفهوم اصلی حاکمیت پولی ایجاد نمی‌کند.

از منظر حقوق بین‌الملل، رمزارزهای ملی با وجود وابستگی به ساختار مدیریتی یک دولت، همچنان در همان چارچوب حاکمیت پولی کشورها تعریف می‌شوند و نمی‌توان آن‌ها را خارج از این دایره حقوقی طبقه‌بندی کرد. در این میان، نکته قابل تأمل دیگری نیز مطرح می‌شود؛ اینکه آیا یک کشور رمز ارز ملی خود را به عنوان شکلی از ارز برای معاملات و تبادلات رسمی عرضه می‌کند یا آن را به صورت نوعی دارایی دیجیتال معرفی می‌نماید که در دسته بندی کالاها یا خدمات قابل تعریف باشد. اگر چنین رمزارزهایی از تعریف «پول» خارج شوند و در دسته دیگری قرار گیرند، اعمال اصول عرفی مرتبط با حاکمیت پولی بر آن‌ها ممکن است دشوار یا حتی غیرضروری به نظر

۱. طیبی فرد، امیرحسین، حاکمیت پولی دولت‌ها و تعدیل آن به عضویت در صندوق بین‌المللی پول، فصلنامه پژوهش حقوق، ۳۶، ۱۳۹۱، صص ۸۲ - ۸۳.  
۲. همان، ص ۱۰۶.

آید. اما موضوع پیچیده‌تر و بحث‌برانگیزتر، رمزارزهای غیرمتمرکزی چون بیت‌کوین است که به دلیل عدم وابستگی به یک دولت یا نهاد مرکزی، رابطه مستقیم با اصول حاکمیت پولی سنتی ندارد. برای اینکه چنین رمزارزهایی مشمول قواعد حاکمیت پولی شوند، تعیین منشأ و خاستگاه آن‌ها نقش کلیدی دارد. ساده‌ترین رویکرد در این زمینه بررسی محل آخرین ارسال یا تراکنش رمز ارز است که می‌تواند به عنوان خاستگاه فرض شود. چنین روشی می‌تواند از مشکلات پیچیده مربوط به شناسایی کشور سازنده این نوع ارزهای دیجیتال جلوگیری کند. به ویژه برای رمزارزهای مطرح نظیر بیت‌کوین که خالق آن همچنان ناشناس باقی مانده و منشأ دقیق فنی و جغرافیایی آن مبهم است، این رویکرد می‌تواند راهکاری عملی ارائه دهد و از بروز چالش‌های پیچیده حقوقی جلوگیری کند. بنابراین، تعامل نظام‌های حقوقی و اقتصادی با رمزارزها نیازمند بازتعریف مفاهیم سنتی پول و حاکمیت مالی است تا چارچوب‌های جدید با این پدیده نوین هم‌خوانی یابند.<sup>۱</sup> حتی زمانی که رمز ارزی دارای خالق مشخصی باشد، شناسایی خاستگاه آن می‌تواند با چالش‌هایی روبرو شود، مانند نیاز به تعیین محل فعالیت خالق یا مکان نرم‌افزار و سخت‌افزاری که در فرآیند ایجاد آن استفاده شده است. مناسب‌ترین راهکار برای تعیین کشور خاستگاه، تکیه بر کشوری است که اجازه ورود رمز ارز به کشور «واردکننده» را صادر کرده باشد، زیرا این روش نیاز به بررسی عوامل پیچیده دیگر را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، مسئولیت کنترل و نظارت باید متوجه دولت‌هایی گردد که قادر به اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از انتقال رمز ارز به کشورهای هستند که ورود آن را منع می‌کنند. در این میان، کشورهای ثروتمندتر معمولاً پذیرش بیشتری نسبت به بیت‌کوین و سایر رمزارزها نشان داده‌اند و از نظر تئوری توانایی بیشتری برای تأمین هزینه‌های مربوط به نظارت بر این مقوله دارند.

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، بسیاری از رمزارزها فاقد منبع مشخصی هستند و معیارهای ارائه شده برای تعیین خاستگاه آن‌ها عمدتاً در راستای نظارت بر این ارزها و مبارزه با جرائم مرتبط کاربرد دارند. در مورد رمزارزهایی که توسط شرکت‌های خصوصی باهدف جذب سرمایه منتشر می‌شوند (مانند آی‌سی‌اوها) و عملکردی مشابه سهام دارند، محل ثبت شرکت منتشرکننده می‌تواند به عنوان کشور خاستگاه آن‌ها در نظر گرفته شود.

به استثنای رمزارزهای ملی که پشتوانه و منبع مشخصی دارند، سایر رمزارزها تحت کنترل مستقیم دولت‌ها یا مؤسسات مالی نیستند و از خاستگاه دقیقی برخوردار نیستند. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که دولت‌ها حاکمیت مستقیمی بر این گروه از رمزارزها ندارند. با این حال، جنبه‌ای از حاکمیت پولی به کنترل دولت بر انتشار پول مرتبط است. دولت‌ها همچنان حق تدوین و اجرای مقررات ارزی، شرایط نظارتی بر مؤسسات مالی، و تنظیم سیاست‌های ارزی خود را حفظ می‌کنند. در این راستا، دولت‌ها می‌توانند محدودیت‌ها یا ممنوعیت‌هایی را برای ارزهای خارجی وضع نمایند و از این منظر، رمزارزها را می‌توان به عنوان نوعی از ارزهای خارجی تلقی کرد.

1. Biggs, John. "Who is the Real Satoshi Nakamoto? One Researcher May Have Found the Answer". (Dec. 5, 2013). Available at: <https://techcrunch.com/2013/12/05/who-is-the-real-satoshi-nakamoto-one-researcher-may-have-found-the-answer>

برای پیشبرد اهداف مورد نظر، نیازمند بندهایی از موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی هستیم که بتوانند به‌عنوان یک قانون خاص، جایگزینی برای اصل عرفی حاکمیت پولی ارائه دهند یا دست‌کم بر آن تأثیری ملموس داشته باشند. البته مهم است تأکید شود که هدف ما حذف کامل این حقوق عرفی نیست. با مرور موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)، به مقرراتی نظیر ماده ۱۲ و بند ب<sup>۱</sup> از ماده ۱۸ برخورد می‌کنیم که به مسئله تراز پرداختی‌ها می‌پردازند. افزون بر این، ماده ۱۵ نیز چارچوب رابطه میان صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی را مشخص می‌کند. به همین ترتیب، در موافقت‌نامه تجارت خدمات (گاتس)، ماده ۱۱ به پرداختی‌ها و انتقالات پرداخته و ماده ۱۲ محدودیت‌هایی را برای حفظ تراز پرداختی‌ها مطرح کرده است.<sup>۲</sup>

بر اساس ماده ۱۲ و بخش «ب» ماده ۱۸ گات، اعضا می‌توانند به‌منظور حفظ ثبات مالی خارجی، جلوگیری از کاهش چشمگیر ذخایر ارزی و مدیریت بحران‌های جدی مربوط به تراز پرداختی‌ها، اقدام به اعمال محدودیت‌هایی در واردات کنند. ماده ۱۲ شامل پنج بند است که به‌طور مشخص به محدودیت‌های مرتبط با حفاظت از تراز پرداختی‌ها اختصاص دارد. در مقابل، ماده ۱۸ که از ۲۳ بند تشکیل شده، مسائل مربوط به حمایت‌های دولتی در راستای توسعه اقتصادی را پوشش می‌دهد و بخش «ب» آن به اعمال محدودیت‌های مقداری برای تنظیم تراز پرداختی‌ها اشاره دارد. با توجه به اینکه ماده ۱۸ بیشتر به محدودیت‌های مرتبط با تراز پرداخت کشورهای درحال توسعه می‌پردازد، ماده ۱۲ مختص کشورهای توسعه‌یافته است.<sup>۳</sup>

با این وجود، هیچ‌یک از بندهای ذکر شده در بالا به شکل مستقیم برای ممنوعیت یا استفاده از ارزشهای رمزنگاری شده راهگشا نیستند. این موارد صرفاً امکان وضع محدودیت‌هایی را برای کالاها یا خدمات تحت شرایط اضطراری مربوط به تراز پرداخت فراهم می‌کنند. به نظر می‌رسد گاتس می‌تواند در حوزه خدماتی که تحت تأثیر سیاست‌های پولی و مالی قرار دارند، کاربرد بیشتری داشته باشد. یکی از ضمایم گاتس که در بخش‌های بعدی بیشتر مورد بررسی قرار خواهد گرفت، ضمیمه مرتبط با خدمات مالی است.

این ضمیمه به اقداماتی می‌پردازد که ارائه «خدمات مالی» را تحت تأثیر قرار می‌دهند و شامل خدماتی مانند بیمه، بیمه اتکایی، بانکداری و سایر موارد مرتبط می‌شود. واژه «تأثیرگذار» در اینجا دامنه وسیعی از تفسیر را در برمی‌گیرد؛ چراکه حتی اگر اقدامی مانعی مستقیم برای ارائه خدمات مالی نباشد اما بر نوع خاصی از آن‌ها اثر بگذارد،

۱. بر اساس ماده ۱۲ و قسمت «ب» ماده ۱۸ گات، یک عضو می‌تواند بنا به دلایل حفظ وضعیت مالی خارجی، کاهش شدید ذخایر پولی و وضعیت حاد تراز پرداختی‌های خود، محدودیت‌هایی را بر واردات اعمال کند. ماده ۱۲ از ۵ بند که در خصوص محدودیت‌های مربوط به حفاظت از تراز پرداختی‌ها است. همچنین ماده ۱۸ از ۲۳ بند تشکیل شده که به مسئله کمک‌های دولت در جهت توسعه اقتصادی می‌پردازد. در قسمت «ب» در مورد اعمال محدودیت مقداری برای تراز پرداختی‌هاست. از آنجایی که ماده ۱۸ مربوط به محدودیت‌های مربوط به تراز پرداختی‌های کشورهای درحال توسعه است، ماده ۱۲ تنها مربوط به اعضای توسعه‌یافته است.

۲. ماده ۱۲ موافقت‌نامه تجارت خدمات اعضا را مجاز می‌داند که به‌عنوان یک اقدام استثنایی و علی‌رغم هر نوع تعهدی که سپرده‌اند به‌منظور حفظ تراز پرداختی‌های خود محدودیت‌هایی را بر تجارت خدمات اعمال کنند.

۳. کاونند، علی، محدودیت‌های مقداری و استثنائات مربوط به تراز پرداختی‌ها در گات و سازمان تجارت جهانی، پژوهش‌های تجارت جهانی، شماره ۴-۵، ۱۳۸۵، ص ۴۵.

این ضمیمه آن را مورد پوشش قرار می‌دهد. بنابراین، اگر رمزارزها تحت یکی از عناوین مربوط به خدمات مالی قرار گیرند یا حتی اگر جزو این دسته هم نباشند، اما ممنوعیت آن‌ها به نوعی بر ارائه خدمات مالی اثر بگذارد، اعضای که متعهد به آزادسازی این خدمات بوده‌اند، ناچار خواهند بود نه تنها دسترسی به بازار را تسهیل کنند، بلکه نباید اقداماتی انجام دهند که آثار فرامرزی بر ارائه این خدمات داشته باشد. به طور کلی، می‌توان نتیجه گرفت که اعضای سازمان تجارت جهانی که تعهدات آزادسازی در قبال خدمات مالی یا دیگر خدمات تحت تأثیر سیاست‌های پولی و مالی را پذیرفته‌اند، از وضع اقداماتی که انتقال و تجارت این خدمات را مختل کند منع شده‌اند. در واقع، به نوعی می‌توان گفت که این اعضا تا حدودی از اصول مرسوم حاکمیت پولی فاصله گرفته‌اند. البته، بررسی کامل تر ابعاد زمانی و جنبه‌های دیگر عرف بین‌المللی در این زمینه پیچیده است و در اینجا به توضیح مختصری اکتفا می‌شود.<sup>۱</sup>

#### طبقه‌بندی رمزارزها تحت موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی

در این قسمت به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آیا می‌توان رمزارزها را به عنوان کالا یا خدمات در چارچوب توافق‌نامه‌های موجود در سازمان تجارت جهانی دسته‌بندی کرد. هدف از این کار، بهره‌گیری از مزایای اصول و قوانین سازمان تجارت جهانی در حوزه تجارت کالا و خدمات در زمینه تجارت رمزارزهاست. با توجه به موضوع این مقاله، تمرکز ما تنها بر توافق‌نامه‌های گات و گاتس خواهد بود.

#### طبقه‌بندی رمزارزها تحت موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)

«کالا» به عنوان «محصولی که در تجارت مورداستفاده قرار می‌گیرد، به عنوان متاعی قابل تعویض با سایر کالاهای هم‌نوع تعریف شده است.»<sup>۲</sup> دیکشنری حقوقی بلک، کالا را به عنوان «محصولی قابل تجارت یا بازرگانی» تعریف می‌کند. این تعریف‌ها کالا را از منظر مالی و قابلیت تجاری آن بررسی کرده و آن را از خدمات متمایز می‌دانند. رمزارزهایی مانند بیت‌کوین ویژگی‌هایی مشابه کالاهای موسوم به «سخت» دارند. کالاهای سخت به محصولاتی اطلاق می‌شوند که معمولاً از طریق فرآیند استخراج به دست می‌آیند. فلزات گران‌بهای نظیر طلا و نقره، که بیت‌کوین اغلب با آن‌ها مقایسه می‌شود، در این دسته قرار می‌گیرند. با این حال، استفاده از اصطلاح «کالای سخت» برای بیت‌کوین ممکن است چالش‌هایی به همراه داشته باشد. نخست اینکه فرآیند استخراج عموماً به برداشت مواد معدنی از زمین اشاره دارد، در حالی که مفهوم استخراج در دنیای رمزارزها کاملاً ماهیتی متفاوت دارد. افزون بر این، برخی از رمزارزهای جدید نیازی به فرآیند استخراج ندارند یا از الگوریتم‌های متفاوتی مانند اثبات سهام برای

1. Chandy, Sandeep Thomas and Prakhar Bhardwaj. "Adjudicating Cryptocurrencies at the WTO: Potential Threshold, Substantive and Compliance Issues". In Conference on International Economic Law in the Era of Distributed Ledger Technology at the University of Turin, Italy. (2019), pp 4 - 5.

2. Commodity Definition, Investor, (Feb 14, 2020). available at :<https://www.investopedia.com/terms/c/commodity.asp>

تولید استفاده می‌کنند. در مجموع، به نظر می‌رسد طبقه‌بندی رمزارزها در زمره کالاهای سخت چندان دقیق یا قابل استناد نباشد.<sup>۱</sup>

یکی از موضوعات مهم در بررسی جایگاه رمزارزها به عنوان کالا و تحلیل آن‌ها در چارچوب نظام گات، شباهت میان این ارزهای دیجیتال و محصولات دیجیتالی است. هرچند در تعریف دقیق این محصولات به عنوان کالا یا خدمات دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد، اما حامیان اعمال مقررات گات بر این حوزه به دلایلی حمایت خود را نشان می‌دهند. از جمله این دلایل می‌توان به سطح مناسب آزادسازی تجاری تحت گات، وجود موافقت‌نامه فناوری اطلاعات که ارتباط نزدیکی با محصولات دیجیتالی دارد، اصل بی‌طرفی فناوری و شباهت ویژگی‌های محصولات دیجیتالی با کالاها اشاره کرد. در همین راستا، نظریات آقای هودن در مقاله‌ای تحت عنوان «معمای رمزارزها: تنظیم یک آینده نامطمئن» نیز قابل توجه است. او بر این باور است که سازمان جهانی تجارت می‌تواند با رویکرد ساده‌تر، رمزارزها را به عنوان کالا تعریف کرده و معاملات مرتبط با آن‌ها را مشابه مبادلات کالا به کالا تلقی کند. بدین ترتیب، مفهوم دادوستد در اینجا بر مبنای مبادله مستقیم و بدون دخالت ارز فیات شکل می‌گیرد.<sup>۲</sup> سازمان تجارت جهانی می‌تواند استدلال کند که مبادله رمزارزها در واقع نوعی مبادله کالا محسوب می‌شود و نه ارز، زیرا در این فرآیند هیچ ارز داخلی حقیقی مبادله نمی‌شود. این دیدگاه می‌تواند به رفع برداشت نادرست رایجی کمک کند که مبادله رمزارزها را به عنوان یک معامله ارزی تلقی کرده و آن را تحت نظارت صندوق بین‌المللی پول قرار می‌دهد. در گذشته، سازمان تجارت جهانی نگاه مثبتی به توافق‌نامه‌های دوجانبه که به تجارت متقابل منجر می‌شدند، نداشت، زیرا این نوع توافق‌ها می‌توانستند به تبعیض نسبت به سایر اعضا منجر شوند. چنین رویه‌ای با یکی از اصول بنیادین سازمان، یعنی «اصل دولت کامله‌الوداد»، در تعارض قرار دارد. بنابراین، تا زمانی که کشورهای عضو محدودیت‌های مربوط به ورود رمزارزها را به صورت یکنواخت و برابر برای همه اعمال کنند، در حقیقت پایبندی خود به اصل کامله‌الوداد را نشان داده‌اند.<sup>۳</sup>

برخی کشورها مانند کانادا، رمزارزها را به عنوان نوعی کالای نامشهود طبقه‌بندی می‌کنند. اگر ما نیز رویکرد مشابهی اتخاذ کنیم و رمزارزها را در چارچوبی گسترده‌تر به عنوان «کالا» تعریف کرده و آن‌ها را جزو «مال التجاره» قرار دهیم، احتمالاً پیامدهای نظارتی مرتبط با آن‌ها دستخوش تغییرات قابل توجهی خواهد شد. با توجه به اینکه سازمان تجارت جهانی وظیفه نظارت و تسهیل مبادلات تجاری را بر عهده دارد، در صورت قبول رمزارزها به عنوان کالا، نظارت بر آن‌ها می‌تواند به مسئولیت‌های این سازمان افزوده شده و تحت چارچوب موافقت‌نامه گات قرار گیرد.

۱. اداره حقوقی کتابخانه ملی کنگره ملی آمریکا، بررسی قانون‌گذاری رمزارزها در سراسر جهان، ترجمه مجموعه‌های ویرامینر و هسبان، اردیبهشت ۱۳۹۹، ص ۷.

۲. ابراهیم رهبری، محمدابراهیم داستان پور حسین‌آباد، «بررسی جایگاه تجارت الکترونیکی محصولات دیجیتالی و طبقه‌بندی آن در موازین سازمان تجارت جهانی»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۱، ۱۳۹۴، صص ۷۹ - ۸۳.

3. Hawse, Robert, "Beyond the Countertrade Taboo: Why the WTO Should Take another Look at Barter and Countertrade", University of Toronto Law Journal. Volume 60, Issue 2, 2010, p289.

### طبقه‌بندی رمز ارزها تحت موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (گاتس)

به نظر می‌رسد حتی اگر فرضیه هودن در مورد اینکه رمزارزها همچون کالا عمل می‌کنند، درست باشد، این امر مانعی برای اجرای موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات ایجاد نخواهد کرد. بر اساس بند ۱ ماده ۱ این موافقت‌نامه، شامل اقداماتی است که بر تجارت خدمات تأثیر می‌گذارد. هرگونه اقدامی که به نحوی بر عرضه خدمات تأثیر بگذارد، چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، و به شرطی که اثری بر تجارت خدمات داشته باشد، باید در نظر گرفته شود. موافقت‌نامه مذکور دارای هشت ضمیمه است که هر یک به نوع خاصی از خدمات پرداخته‌اند.<sup>۱</sup> ضمیمه خدمات مالی و ضمیمه ارتباطات از راه دور به دلیل ارتباط نزدیک با موضوع رمزارزها مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

### اصول سازمان تجارت جهانی و رمزارزها

#### اصل کامله الوداد و رمزارزها

چنانچه سازمان تجارت جهانی دیدگاه معامله‌تهرتری را قبول کند و رمزارزها را به عنوان کالاهای تجاری تلقی نماید، معاملات رمز ارزی بین کشورها تحت شمول بند «اصل رفتار کامله الوداد» این سازمان قرار می‌گیرد. بر اساس این اصل، لازم است تمامی کشورها در تعاملات تجاری به شیوه‌ای برابر با یکدیگر رفتار کنند؛ به عنوان نمونه، هیچ کشوری حق ندارد واردات کالا از کشوری خاص را منع کند یا مالیاتی بیشتر از آنچه برای دیگر کشورها وضع شده است، تحمیل نماید. البته برخی استثنائات در این زمینه وجود دارد. بنابراین، اگر کشوری بخواهد جریان رمزارزها یا واردات آن را در بازار داخلی خود ممنوع کند، مادامی‌که این ممنوعیت شامل تمامی کشورهای عضو شود، از نظر حقوقی مشکلی در اجرای این تصمیم نخواهد داشت.<sup>۲</sup> برای نمونه، اگر یک کشور تصمیم بگیرد ارز دیجیتال ملی خود را به رسمیت بشناسد یا مبادله با رمزارزها را مجاز بداند، دیگر نمی‌تواند ورود ارزهای دیجیتال خارجی و انجام مبادلات با رمزارزهای سایر کشورها را ممنوع کند، زیرا چنین اقدامی برخلاف اصل رفتار متقابل و عادلانه خواهد بود.

افزون بر این، اگر رمزارزها را به عنوان یک کالای خاص در نظر بگیریم، به نظر می‌رسد که در میان سه مؤلفه‌ای که مورد بحث قرار گرفته‌اند، چالش برانگیزترین مؤلفه احتمالاً مفهوم «محصولات مشابه» به شمار می‌رود. اما این عبارت دقیقاً چه مفهومی دارد؟ با وجود کاربرد این اصطلاح در متون مختلف سازمان جهانی تجارت، هیچ تعریفی مشخص و واضح در گات برای آن ارائه نشده است. یکی از روش‌هایی که می‌تواند در تبیین و شناسایی «محصولات

1. Rubinfeld, Samuel, Canada Enacts Bitcoin Regulations, Risk & Compliance Journal 2014, p 77.

۲. محمدی، عمران، تحلیل حقوقی اساسنامه صندوق بین‌المللی پول در پرتو اصول بنیادین سازمان جهانی تجارت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، زمستان ۱۳۹۱، ص ۸۸.

مشابه» مؤثر باشد، رجوع به رویه‌های گات در چارچوب ماده ۳ است. معیارهایی که در دعاوی پیشین برای تعریف و شفاف‌سازی واژه «مشابه» مورد استفاده قرار گرفته‌اند شامل این موارد است:<sup>۱</sup>

(الف) ویژگی‌ها، ماهیت و کیفیت محصولات

(ب) استقبال از محصول در بازار

(ج) سلیقه‌ها و عادات مصرف‌کنندگان یا برداشت‌ها و رفتارهای آن‌ها در واکنش به محصولات

(د) نظام طبقه‌بندی محصولات.<sup>۲</sup>

شناسایی شباهت میان رمزارزها با استفاده از مؤلفه‌هایی که معمولاً برای کالاهای ملموس تعریف می‌شوند، چالشی پیچیده به نظر می‌رسد. با این وجود، باید تأکید کرد که با وجود اشتراکاتی که میان رمزارزها وجود دارد، هرکدام به‌طور معمول دارای ویژگی‌های منحصر به فرد خود نیز هستند. به نظر می‌رسد که در صورت پذیرفتن رمزارزها به‌عنوان نوعی کالا، ضرورت دارد پروتکل‌های ویژه‌ای برای تعیین شباهت‌های میان آن‌ها تدوین شود. مطابق بند ۱ ماده ۲ گاتس، که بر اصل ملت کامله الوداد تأکید دارد؛<sup>۳</sup> اگر یک اقدام منجر به معامله‌ای نامطلوب شود و آن اقدام در فهرست معافیت‌های عضو مربوطه درج نشده باشد، هر عضو آسیب‌دیده می‌تواند دعاوی را در سازمان تجارت جهانی مطرح کند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، ماده ۲ هیچ توضیح یا راهنمایی مشخصی برای روشن کردن مفهوم «نامطلوب‌تر نباشد» ارائه نمی‌دهد. به نظر می‌رسد برای جبران این نقیصه، نیاز است به ماده ۱۷ گاتس که به تعهد برای رفتار ملی اشاره دارد، رجوع شود. مطابق بند ۳ ماده ۱۷ گاتس، اگر رفتاری «در ظاهر مشابه یا متفاوت» شرایط رقابت را به سود خدمات یا تأمین‌کنندگان خدمات یک عضو نسبت به خدمات یا تأمین‌کنندگان مشابه از سایر اعضا تغییر دهد، آن رفتار به‌عنوان نامطلوب‌تر تلقی خواهد شد. افزون بر این، گزارش‌های پیل‌های پیشین سازمان تجارت جهانی و رکن استیناف، «معامله نامطلوب» را به هر اقدامی که شرایط رقابتی را به زیان خدمات وارداتی تغییر دهد، تفسیر کرده‌اند.<sup>۴</sup>

احتمال دارد که اعمال محدودیت‌ها بر رمزارزها، با هدف تنظیم شرایط رقابت و ایجاد تعادل در بازار، به‌گونه‌ای تفسیر شود که به زیان واردکنندگانی تمام شود که در حوزه ارائه خدمات مرتبط با رمزارزها فعالیت دارند. با این حال، نخستین و اساسی‌ترین گام برای اثبات وجود یک «معامله نامطلوب» در این زمینه آن است که عضوی که به این

۱. زمانی، سید قاسم، مهریار راشدی، ماهیت و قلمرو تعهد رفتار دولت کامله الوداد در چارچوب موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۳، ۱۳۹۴.

2. European Communities – Measures Affecting Asbestos and Asbestos - Containing Products, WT/DS135/AB/R, 12 March 2001 pp. 38-39, para. 101. Available at: [https://docs.wto.org/dol2fe/Pages/FE\\_Search/DDFDocuments/1236/Q/WT/DS/135ABR.pdf%20, Last%20visited:%2017%20Nov.%202012](https://docs.wto.org/dol2fe/Pages/FE_Search/DDFDocuments/1236/Q/WT/DS/135ABR.pdf%20, Last%20visited:%2017%20Nov.%202012).

۳. هر عضو در مورد هر اقدام مشمول موافقت‌نامه حاضر، فوراً و بدون قید و شرط، رفتاری را در مورد خدمات و عرضه‌کنندگان خدمات هر عضو دیگر در پیش خواهد گرفت که از رفتار در مورد خدمات و عرضه‌کنندگان خدمات مشابه هر کشور دیگر، نامطلوب‌تر نباشد.

۴. کدخدایی، عباسعلی، حسام نوروز پور، چالش‌های ارزش‌های مجازی در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم با تأکید بر اقدامات و توصیه‌های کارگروه ویژه اقدام مالی (FATF)، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۶۲، ۱۳۹۹، ص ۷۰.

محدودیت اعتراض دارد، بتواند نشان دهد که خدمات ارائه‌شده توسط وی و ارائه‌دهندگان مرتبط با او از نظر ماهیت و عملکرد، شباهتی قابل توجه با خدمات و ارائه‌دهندگانی دارند که در مقابل، موفق به دستیابی به معامله‌ای مطلوب شده‌اند. زمانی که یک اقدام خاص به طور مستقیم با منبع خدمت یا ارائه‌دهنده آن مرتبط شود، احتمال افزایش شباهت در اهداف و کارکردهای ماده‌های ۲ و ۱۷ تفاهم‌نامه عمومی تجارت خدمات (گاتس) بیشتر خواهد شد. در این راستا، اگر یکی از اعضا تصمیم بگیرد که محدودیت‌ها یا حتی ممنوعیت‌هایی را بر رمزارزهای خارجی اعمال کند، و این محدودیت‌ها از اختیارات قانونی خاص همان عضو ناشی شود، می‌توان ادعای منطقی مطرح ساخت مبنی بر اینکه از منظر مواد ۲ و ۱۷ گاتس، میان رمزارزهایی که تحت این تأثیرات قرار گرفته‌اند و سایر رمزارزهای خارجی رابطه قابل توجهی از حیث «مشابهت» وجود دارد. چنین استدلالی ممکن است به پایه‌ای برای ارزیابی نحوه تأثیرگذاری این محدودیت‌ها بر قواعد رقابت در بازار جهانی تبدیل شود.<sup>۱</sup>

باین حال، در مواردی که تفاوت در نحوه برخورد و معامله تنها به منشأ ارائه‌دهندگان خدمات محدود نمی‌شود و عوامل دیگری نیز در این موضوع نقش دارند، ممکن است نیاز به بررسی دقیق‌تر و عمیق‌تری وجود داشته باشد. این بررسی باید به منظور روشن‌سازی این مسئله صورت گیرد که آیا ارائه‌دهندگان خدمات در دو طرف مرز واقعاً شرایط و ویژگی‌های مشابهی دارند یا خیر. در این راستا، رکن استیناف سازمان تجارت جهانی در پرونده مرتبط با خدمات مالی آرژانتین بیان کرده است که حتی اختلافات و تفاوت‌های ناشی از چارچوب‌های نظارتی در کشور مبدأ ارائه‌دهنده خدمات می‌تواند عاملی مؤثر باشد که باید در فرایند تعیین مشابهت مدنظر قرار گیرد. بنابراین، اگر استدلال شود که محدودیت‌ها یا ممنوعیت‌های اعمال شده بر رمزارزها ناشی از تفاوت‌های قانونی و نظارتی میان کشورها است، ممکن است احتمال وجود شباهت میان خدمات ارائه‌شده کاهش یابد یا حتی کلاً رد شود. در صورتی که متقاضی نتواند با استفاده از آزمون «فرض مشابهت» اثبات کند که خدمات یا ارائه‌دهندگان خدمات از منظر این معیارهای تعیین‌شده مشابه هستند، لازم است فرآیند اثبات مشابهت از طریق ابزارها و روش‌های سنتی انجام پذیرد. این روش‌ها همان‌هایی هستند که قبلاً در ارتباط با تعیین محصولات مشابه توضیح داده شده‌اند و به عنوان استاندارد شناسایی شده برای بررسی تطابق استفاده می‌شوند. لذا هرگونه ادعا درباره تشابه باید با تکیه بر این معیارها مورد آزمون قرار گیرد تا دقت و صحت نتایج تضمین شود.

### اصل رفتار ملی و رمزارزها

دربندهای ۱، ۲ و ۴ ماده ۳ گات ۱۹۹۴ و همچنین در بند ۱ ماده ۱۷ موافقت‌نامه گاتس به طور صریح و شفاف به اصل رفتار ملی اشاره شده است. این اصل به معنای تضمین و تعهد کشورها به ارائه شرایط برابر برای بازیگران

۱. احتشامی بجنوردی، محمد، اصل رفتار ملی در سازمان جهانی تجارت و موضع نظام حقوقی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۴، ص ۴۵.

داخلی و خارجی در حوزه بازارهای محلی است. علاوه بر این، بند ۳ ماده ۱۷ گاتس، رفتارهایی را تعریف می‌کند که به عنوان رفتار نامطلوب شناخته می‌شوند؛ مواردی که قبلاً تحلیلی جامع درباره آن‌ها ارائه داده‌ایم. همان‌گونه که پیش‌تر نیز تشریح شد، در ساختار گاتس دو گروه کلی از اصول وجود دارند. گروه اول شامل اصول غیرقابل انعطاف است که هیچ‌گونه تخطی یا عدولی از آن‌ها مجاز نیست. از جمله این اصول می‌توان به اصل دولت کامله الوداد اشاره کرد، اصلی که تمامی اعضای سازمان تجارت جهانی را ملزم به رعایت رفتار مساوی و یکسان در قبال تمامی شرکای شرکتی و تجاری می‌نماید. گروه دوم اما شامل اصول قابل انعطاف است که امکان تنظیم و تعدیل در چارچوب مشخصات آن‌ها وجود دارد؛ اصل رفتار ملی یکی از این اصول مهم است.<sup>۱</sup> علت این مسئله به ماهیت تجارت خدمات بازمی‌گردد. در سطح بین‌المللی امکان اعمال رفتاری مشابه برای کالاها وجود دارد، زیرا می‌توان بازار داخلی را از طریق تعرفه‌های وارداتی، محدودیت‌های مقداری و سایر تدابیر مرزی مدیریت و کنترل کرد. اما در مورد خدمات، خصوصاً زمانی که ارائه‌دهندگان شامل افراد حقیقی یا حقوقی هستند، عرضه‌کننده خدمات عملاً از مزایای برخورداری از رفتار ملی بهره‌مند می‌شود. به همین دلیل، اصل رفتار ملی به دلیل تعریف ذاتی خود، هرگونه امتیاز مقرراتی را از عرضه‌کنندگان داخلی خدمات سلب می‌کند.<sup>۲</sup>

همان‌طور که می‌بینید، تفاوت چشمگیری بین برخورد با چیزی به عنوان کالا یا خدمت وجود دارد. اگر رمزارزها به عنوان کالا در نظر گرفته شوند، اجرای اصل رفتار ملی به مراتب ساده‌تر خواهد بود، زیرا در این حالت، اگر کشوری به استثنائات اشاره نکند، این اصل تمام انواع کالاها را شامل می‌شود، هرچند با دامنه‌ای محدودتر. از سوی دیگر، اگر رمزارزها به عنوان خدمت شناخته شوند، اجرای این اصل با مجموعه‌ای از پیچیدگی‌ها و محدودیت‌ها همراه خواهد شد. در این حالت، در صورت عدم اشاره یک کشور به استثنائات، لازم است به فهرست تعهدات ایجابی و سلبی آن کشور مراجعه شود، و به نظر می‌رسد که امکان عدول از این اصل در چنین حالتی ساده‌تر باشد.

### رمزارزها تحت معاهدات سرمایه‌گذاری

#### معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی

نویسندگان اغلب تأکید دارند که مفهوم سرمایه‌گذاری در چارچوب معاهدات گوناگون، به مرور زمان دچار تغییرات قابل توجهی شده و به شکل چشمگیری تکامل یافته است. در اسناد مربوط به معاهدات دوجانبه و چندجانبه سرمایه‌گذاری، به‌طور معمول از تعاریفی استفاده می‌شود که بر مفهوم «دارایی‌محور» تمرکز دارند.

۱. نوری، مهدی، تحلیل ماهیت پولی رمزارزها در اقتصاد؛ با تأکید بر مقایسه نوسانات رمزارزهای منتخب با نوسانات یورو-دلار و طلا، فصلنامه اقتصاد دفاع، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع و تحقیقات راهبردی گروه منابع و اقتصاد دفاع، شماره ۱۰، ۱۳۹۷، ص ۷۷.  
۲. هنجی، سید علی، ابوالفضل استاد زاده، مفهوم سرمایه‌گذاری خارجی در قوانین داخلی، معاهدات بین‌المللی سرمایه‌گذاری و آرای دادگاه‌های داوری بین‌المللی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۷۹، ۱۳۹۶، ص ۲۴.

این تعاریف نشان‌دهنده گستردگی و شمول وجوه مختلف سرمایه‌گذاری هستند و تلاش می‌کنند تا انواع متنوع دارایی‌ها را که تحت عنوان سرمایه‌گذاری قابل شناسایی می‌باشند، در برگیرند.<sup>۱</sup> در این معاهدات به بررسی روش‌ها و فنون متنوعی پرداخته شده است. برای نمونه، در ماده ۱۶ معاهده منشور انرژی، پس از ارائه تعریف کلی از انرژی، فهرستی از انواع سرمایه‌گذاری آورده شده است. همچنین، از رویکرد انتخاب منفی استفاده شده و برخی موارد خاص از تعریف سرمایه‌گذاری مستثنا شده‌اند. این معاهدات به تشریح مؤلفه‌ها و ویژگی‌های اصلی سرمایه‌گذاری خارجی می‌پردازند و پیش شرط‌ها و الزامات، مانند تطبیق فعالیت‌ها با قوانین کشور میزبان و لزوم دریافت مجوزهای داخلی را تعیین می‌کنند. به‌طورکلی، این اسناد بر این اصل استوار هستند که مفهوم «سرمایه‌گذاری» همواره در حال تغییر و گسترش است و ممکن است در آینده، انواع جدیدی به فهرست دارایی‌های تحت حمایت معاهده اضافه شوند.<sup>۲</sup> اغلب، معاهدات سرمایه‌گذاری با گنجانیدن الزامات قانونی یا بندهایی تحت عنوان «مطابق با قوانین کشور میزبان»، دامنه عملکرد خود را محدود می‌کنند. هدف اصلی این اقدام، فراهم کردن حمایت از سرمایه‌گذاری‌هایی است که در چارچوب قوانین کشور میزبان صورت گرفته‌اند. با این حال، این شرط یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها در مسیر حفاظت از رمزارزها به‌عنوان یک نوع سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. دلیل این امر آن است که برخی کشورها استفاده از رمزارزها را ممنوع کرده یا آن‌ها را در چهارچوب قانونی خود به رسمیت نمی‌شناسند.<sup>۳</sup>

### رمزارزها و معاهدات سرمایه‌گذاری

به‌طورکلی، سرمایه‌گذاری‌ها در قالب موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری به هر نوع دارایی که متعلق به سرمایه‌گذار یکی از کشورهای متعاقد باشد و در قلمرو کشور متعاقد دیگر قرار گیرد، اطلاق می‌شود. این تعریف معمولاً با فهرستی از دارایی‌های قابل سرمایه‌گذاری همراه است، اما این لیست کامل و محدود نیست و امکان اضافه کردن انواع دیگری از دارایی‌ها نیز وجود دارد. ارزها و دارایی‌های دیجیتال، از جمله سی.بی.دی.سی‌ها (CBDC)، می‌توانند به‌عنوان نوعی از این دارایی‌ها مورد توجه قرار گیرند. طبقه‌بندی دقیق این‌گونه دارایی‌ها به ویژگی‌های خاص آن‌ها و قوانین و مقررات تعیین شده توسط دولت صادرکننده بستگی دارد. اگر سی.بی.دی.سی‌ها در دسته «دارایی‌های دیجیتال» قرار گیرند، می‌توان آن‌ها را به‌عنوان سرمایه‌گذاری‌هایی که از حمایت برخوردارند تلقی کرد. همچنین دامنه تعریف سرمایه‌گذاری در این نوع موافقت‌نامه‌ها فرصتی برای بهره‌گیری از نوآوری‌های مالی فراهم می‌کند، جایی که کشورها می‌توانند ابزارهای مالی نوین را در چارچوب سرمایه‌گذاری در نظر بگیرند.<sup>۴</sup>

1. Okhuuse Victor, Alexander, Introducing cryptocurrency, READS Capital, Schemas Group, 2017, p 90.

2. Manaa, Mehdi and others, Crypto-Assets: Implications for financial stability, monetary policy, and payments and market infrastructures, Occasional Paper Series 223, European Central Bank, 2019, p 147.

۳. مجومرد، مجید هانفی، ام‌البنین جلالی و محمد رحیمی، حباب‌های سفته‌بازی در بازار دیجیتالی بیت کوین، فصلنامه دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، شماره ۴۰، ۱۳۹۷، ص ۱۳۳.

۴. همان، ص ۱۳۶.

ایجاد و سرمایه‌گذاری در ارزهای دیجیتال ملی می‌تواند به‌عنوان یک نوآوری در چارچوب موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری مطرح شود. هرچند با توجه به وضعیت فعلی قوانین، جایگزینی دارایی‌های دیجیتال در دسته‌بندی‌های تعیین‌شده توسط موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری چالش‌برانگیز است، اما ایده‌آل‌ترین سناریو این است که این دارایی‌ها در زیرمجموعه این موافقت‌نامه‌ها قرار گیرند، مشروط بر اینکه اهداف تجاری را دنبال کنند و پیوند مشخصی با کشور میزبان داشته باشند.<sup>۱</sup>

ارزهای دیجیتال ملی، به دلیل برخورداری از پشتوانه کشور صادرکننده، ویژگی‌هایی شبیه به ارزهای سنتی دارند و قادرند نقش پول قانونی را ایفا کنند. با این حال، لازم است توجه داشت که در برخی موارد خاص، ارزهای دیجیتال ملی نه تنها بازنمایی دیجیتالی از پول کشور نیستند بلکه ممکن است کارکردهای دیگری نیز داشته باشند. به علاوه، این ارزها در صورتی که مطابق تعریف قوانین داخلی به‌عنوان دارایی دیجیتال شناسایی شوند، می‌توانند نقشی فراتر از وسیله‌ای برای مبادله ایفا کرده و در حوزه سرمایه‌گذاری نیز جایگاه پیدا کنند.

از سوی دیگر، تحلیلگران بر این باورند که تا زمانی که ارزهای دیجیتال نتوانند به‌عنوان جایگزینی کامل یا حداقل بسیار محبوب برای پول نقد عمل کنند، تمایل افراد به خرید آن‌ها عمدتاً باهدف سرمایه‌گذاری باقی خواهد ماند. این واقعیت باعث شده است که بسیاری از کشورهای که در حال حاضر به دنبال راه‌اندازی ارز دیجیتال ملی هستند، آن را نه تنها به‌عنوان یک ابزار مالی داخلی، بلکه به‌عنوان ابزاری بالقوه برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی تلقی کنند. از همین رو، نادیده گرفتن اهمیت حمایت از این ارزها در چارچوب موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری، تصمیمی غیرمنصفانه به نظر می‌رسد. چراکه این ارزها بدون شک یک نوع دارایی دیجیتال محسوب می‌شوند و باید تحت قوانین موجود، حفاظت مناسب از آن‌ها صورت گیرد. در زمینه توکن‌های عرضه اولیه یا همان آی‌سی‌آی‌ها نیز، وضعیت مشابهی مشاهده می‌شود. این نوع توکن‌ها از لحاظ ماهیت با سرمایه‌گذاری ارتباط مستقیم دارند و خرید آن‌ها معمولاً با امید به کسب سود همراه است. اما سؤال کلیدی در مورد ارزهای دیجیتال بانک مرکزی یا سی‌بی‌سی‌دی‌ها این است که آیا باید آن‌ها را صرفاً به‌عنوان «ارز» تلقی کرد یا به‌عنوان «دارایی»؟ این در حالی است که درباره توکن‌های آی‌سی‌آی هیچ ابهامی وجود ندارد؛ چراکه ماهیت آن‌ها به اوراق بهادار شباهت دارد و باید به‌عنوان دارایی دیجیتالی اوراق بهاداری طبقه‌بندی شوند.

می‌توان ادعا کرد که دارایی‌های دیجیتال در کلیت خود بخشی از مفهوم «سرمایه‌گذاری» را شامل می‌شوند. بنابراین، سرمایه‌گذارانی که اقدام به خرید توکن‌های آی‌سی‌آی در کشوری مشخص می‌کنند، در صورتی که سرمایه‌گذاری‌شان با خطر و زیان مواجه شود، حق دارند از آن کشور انتظار حمایت داشته باشند. همان‌طور که اوراق بهادار نیز طبق قوانین موجود در چارچوب موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری عموماً به‌عنوان

۱. شادنیا، زهرا، الزامات حقوقی ایران در پیوستن به سازمان جهانی تجارت در زمینه بورس و اوراق بهادار، پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد رشته حقوق - گرایش حقوق اقتصادی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، پاییز ۱۳۹۷، ص ۸۷.

«سرمایه‌گذاری» شناخته می‌شوند، دارایی‌های دیجیتال نیز باید در همین راستا تحت حمایت مشابه قرار گیرند تا ضمن ارتقای امنیت سرمایه‌گذاری، اطمینان خاطر بیشتری برای سرمایه‌گذاران فراهم شود.<sup>۱</sup> در حالی که پیش‌تر اشاره شد که رمزارزها به‌سختی در چارچوب تعریف متعارف سرمایه‌گذاری در حقوق بین‌الملل جای می‌گیرند، اما با توجه به ماهیت گسترده و پویای مفهوم سرمایه‌گذاری در موافقت‌نامه‌های دو یا چند جانبه، این امکان وجود دارد که معاملات و سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با رمزارزها را در سطح بین‌المللی شفاف‌تر تعریف کرد. این امر می‌تواند زمینه‌ای را فراهم کند تا اتباع کشورهای مختلف از حمایت‌های قانونی مرتبط با سرمایه‌گذاری بهره‌مند شوند. علاوه بر این، در نظر گرفتن فناوری پشت تولید رمزارزها به‌عنوان نوعی دارایی یا سرمایه نیز رویکردی دیگر برای تعمیق مفهوم سرمایه‌گذاری در این حوزه محسوب می‌شود.

### نتیجه‌گیری

رمزارزها گونه‌ای از ارزهای دیجیتال محسوب می‌شوند که با بهره‌گیری از فناوری رمزنگاری طراحی شده و اغلب به‌صورت غیرمتمرکز مدیریت می‌شوند. با این حال، تاکنون تعریف مشخص و جامعی در سطح حقوق بین‌الملل برای این ارزها ارائه نشده است. ظهور رمزارزها گامی در جهت تحقق ایده ارزهای بین‌المللی غیرمتمرکز و مقاوم در برابر مداخلات و آسیب‌های سیاسی تلقی می‌شود. در حالی که دلار آمریکا همچنان نقش ارز غالب جهانی را ایفا می‌کند، سهم آن از تولید جهانی کاهش قابل توجهی داشته است. صندوق بین‌المللی پول، به‌عنوان یکی از نهادهای کلیدی در این حوزه، فناوری‌های مرتبط با رمزارزها را مورد بررسی قرار داده و کشورها را به دیجیتالی کردن نظام پولی خود تشویق می‌کند. برخی کارشناسان پیشنهاد کرده‌اند که رمزارزها به‌عنوان کالا یا خدمت طبقه‌بندی شوند تا سازمان جهانی تجارت بتواند نظارت و کنترل بیشتری بر این حوزه اعمال کند. با این حال، سازمان جهانی تجارت هنوز در زمینه محصولات دیجیتال به اجماع روشنی دست نیافته است. در وضعیت فعلی، رمزارزها به‌عنوان دارایی‌های دیجیتال شناخته می‌شوند، اما سرمایه‌گذاری در این بازار با موانع قانونی متعددی در سطح بین‌المللی روبه‌رو است. روشن شدن تعریف دقیق و جامع رمزارزها در راستای بهره‌گیری از چارچوب‌های قانونی موجود یک ضرورت به‌شمار می‌آید.

یکی از چالش‌های اصلی حقوقی مرتبط با رمزارزها، عدم وجود تعریف حقوقی مشترک، فقدان طبقه‌بندی مناسب، نبود مواضع هماهنگ میان کشورها به‌ویژه اقتصادهای کلیدی، ناکارآمدی نهادهای بین‌المللی و همچنین عدم توانایی این سازمان‌ها در تطبیق با سرعت پیشرفت فناوری است. چنانچه طبقه‌بندی مرسوم همچون دسته‌بندی به‌عنوان ارز، کالا یا خدمت برای تعریف رمزارزها کافی نباشد، می‌توان با در نظر گرفتن ماهیت

۱. همان، ص ۸۸.

منحصربه‌فرد آن‌ها، تعاریف جدید و حتی ترکیبی ایجاد کرد. علاوه بر این، قانون‌گذاران باید به تنوع اشکال رمزارزها توجه کنند. نهادهای ملی و بین‌المللی نیازی ندارند که به‌تنهایی مسیر قانون‌گذاری را طی کنند؛ همکاری با بازیگران صنعت شامل نهادهای خودمختار و ناشران فعال در بازار رمزارزها می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تدوین مقررات انعطاف‌پذیر و کارآمد ایفا کند. سازمان‌های ملی و بین‌المللی باید قوانینی طراحی کنند که ضمن ایجاد نظام تنظیم‌کننده‌ای جامع، مانعی برای نوآوری یا رشد این حوزه نباشند. با وجود تأملاتی که تاکنون درباره رمزارزها صورت گرفته است، همچنان توصیه می‌شود که عجله در قبول یا رد کامل این فناوری صورت نگیرد. طبیعتاً ارتباط تنگاتنگ رمزارزها با اقتصاد کشورها ایجاب می‌کند که پذیرش شتاب‌زده آن‌ها، به‌ویژه در کشورهایی با اقتصاد نوظهور یا شکننده، با احتیاط صورت گیرد تا از عوارض ناگوار اقتصادی جلوگیری شود. علاوه بر این، پیشرفت سریع فناوری‌های مرتبط با رمزارزها نشان می‌دهد که توسعه و تکامل بیشتر این حوزه نیازمند زمان است. برای مدیریت بهتر این تحولات، پیشنهاد می‌شود دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی با وضع قوانین مناسب، ایجاد اعتماد عمومی و برقراری تعادل میان رمزارزها و ارزهای ملی، این جریان را تحت کنترل درآورند. شاید در آینده نزدیک بتوان رمزارزها را به‌عنوان یکی از ابزارهای پرداخت بین‌المللی سریع و آسان در کنار ارزهای ملی پذیرفت و از تأثیرات سیاست‌زدگی بر نظام مالی کاسته شود. اگر رمزارزها همچنان به رشد خود ادامه دهند، قدرت‌های بزرگ اقتصادی ملزم به ارائه تعریفی واحد و جامع از آن‌ها خواهند شد تا چارچوب‌های حقوقی منسجم‌تری شکل گیرد. چنین اقدامی می‌تواند زمینه‌ساز کاهش اختلافات حقوقی در این حوزه نوپا باشد و تعاملات بین‌المللی مبتنی بر رمزارزها را تسهیل کند.

## منابع

۱. احمدی پاریزی، محمد، بررسی کنوانسیون ایکسید کنوانسیون بین‌المللی حل و فصل اختلافات مربوط به سرمایه‌گذاری بین دولت‌ها و اتباع دولت‌های دیگر در مقایسه با سایر اسناد بین‌المللی داوری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد، پاییز ۱۳۹۵.
۲. احتشامی بجنوردی، محمد، اصل رفتار ملی در سازمان جهانی تجارت و موضع نظام حقوقی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۴.
۳. اداره حقوقی کتابخانه ملی کنگره ملی کنگره آمریکا، بررسی قانون‌گذاری رمزارزها در سراسر جهان، ترجمه مجموعه‌های ویرامینر و هشبان، اردیبهشت ۱۳۹۹.
۴. ابراهیم رهبری، محمدابراهیم داستان پور حسین آباد، بررسی جایگاه تجارت الکترونیکی محصولات دیجیتالی و طبقه‌بندی آن در موازین سازمان تجارت جهانی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۱، ۱۳۹۴.
۵. زمانی، سید قاسم، مهریار راشدی، ماهیت و قلمرو تعهد رفتار دولت کامله الوداد در چارچوب موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۳، ۱۳۹۴.
۶. شادنیا، زهرا، الزامات حقوقی ایران در پیوستن به سازمان جهانی تجارت در زمینه بورس و اوراق بهادار، پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد رشته حقوق - گرایش حقوق اقتصادی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، پاییز ۱۳۹۷.
۷. طیبی فرد، امیرحسین، حاکمیت پولی دولت‌ها و تعدیل آن به عضویت در صندوق بین‌المللی پول، فصلنامه پژوهش حقوق، ۳۶، ۱۳۹۱.
۸. کاوند، علی، محدودیت‌های مقداری و استثنائات مربوط به تراز پرداخت‌ها در گات و سازمان تجارت جهانی، پژوهش‌های تجارت جهانی، شماره ۴-۵، ۱۳۸۵.
۹. کدخدایی، عباسعلی، حسام نوروز پور، چالش‌های ارزش‌های مجازی در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم با تأکید بر اقدامات و توصیه‌های کارگروه ویژه اقدام مالی (FATF)، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۶۲، ۱۳۹۹.
۱۰. مجومرد، مجید هانفی، ام‌البنین جلالی و محمدرحیمی، حساب‌های سفته‌بازی در بازار دیجیتالی بیت کوین، فصلنامه دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، شماره ۴۰، ۱۳۹۷.
۱۱. محمدی، عمران، تحلیل حقوقی اساسنامه صندوق بین‌المللی پول در پرتو اصول بنیادین سازمان جهانی تجارت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، زمستان ۱۳۹۱.
۱۲. نوری، مهدی، تحلیل ماهیت پولی رمزارزها در اقتصاد: با تأکید بر مقایسه نوسانات رمزارزهای منتخب با نوسانات یورو-دلار و طلا، فصلنامه اقتصاد دفاع، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع و تحقیقات راهبردی گروه منابع و اقتصاد دفاع، شماره ۱۰، ۱۳۹۷.
۱۳. هنجی، سید علی، ابوالفضل استاد زاده، مفهوم سرمایه‌گذاری خارجی در قوانین داخلی، معاهدات بین‌المللی سرمایه‌گذاری و آرای دادگاه‌های داوری بین‌المللی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۷۹، ۱۳۹۶.

14. Biggs, John. "Who is the Real Satoshi Nakamoto? One Researcher May Have Found the Answer".

- (Dec. 5, 2013). Available at: <https://techcrunch.com/2013/12/05/who-is-the-real-satoshi-nakamoto-one-researcher-may-have-found-the-answer>
15. Lastra, Rosa Maria, The International Monetary Fund in Historical Perspective, Centre for Commercial Law Studies, Queen Mary University of London. Volume 3, No 3, 2000.
16. Chandy, Sandeep Thomas and Prakhar Bhardwaj. "Adjudicating Cryptocurrencies at the WTO: Potential Threshold, Substantive and Compliance Issues". In Conference on International Economic Law in the Era of Distributed Ledger Technology at the University of Turin, Italy. (2019).
17. Commodity Definition, Investor, (Feb 14, 2020). available at: <https://www.investopedia.com/terms/c/commodity.asp>
18. Hawse, Robert, "Beyond the Countertrade Taboo: Why the WTO Should Take another Look
19. at Barter and Countertrade", University of Toronto Law Journal. Volume 60, Issue 2, 2010.
20. Rubinfeld, Samuel, Canada Enacts Bitcoin Regulations, Risk & Compliance Journal, 2014.
21. European Communities – Measures Affecting Asbestos and Asbestos - Containing Products, WT/DS135/AB/R, 12 March 2001 pp. 38-39, para. 101. Available at: [https://docs.wto.org/dol2fe/Pages/FE\\_Search/DDFDocuments/1236/Q/WT/DS/135ABR.pdf](https://docs.wto.org/dol2fe/Pages/FE_Search/DDFDocuments/1236/Q/WT/DS/135ABR.pdf), %20Last%20visited:%2017%20Nov.%202012.
22. Okhuese Victor, Alexander, Introducing cryptocurrency, READS Capital, Schemas Group, 2017.
23. Manaa, Mehdi and others, Crypto-Assets: Implications for financial stability, monetary policy, and payments and market infrastructures, Occasional Paper Series 223, European Central Bank, 2019.